



# بهائیت زدای رهبران شیعه

به اهتمام:

سید علیرضا علوی طباطبایی بروجردی

به نام خدا

اللهم عجل لولیک الفرج

[www.bahatismiran.com](http://www.bahatismiran.com)

پایگاه اینترنتی بهائیت در ایران

با سلام

تدیرو ورود شما دوستان گرامی که در راستای مبارزه با جهان کفر و اسلام ستیزانی همچون بهائیان گامهایی نو برداشته اید را تبریک گفته و از خداوند متعال پیروزی روز افزون شما را در این عرصه خواستار است.

درضمن این پایگاه اینترنتی ( بهائیت در ایران [www.bahatismiran.com](http://www.bahatismiran.com) ) آمادگی کامل همکاری در جهت افزایش غنای علمی با کلیه عزیزان فعال در این عرصه را اعلام نموده و انتظار عمل متقابل از سوی دوستان را نیز دارد.

و از شما عزیزان انتظار تبلیغ سایت بهائیت در ایران را که یک سایت جامع در زمینه ارائه کتب ، مقالات ، سخنان و خاطرات متبریان از بهائیت ، تصاویر، صوت ، فیلم ،... و هر گونه سندی که در جهت افشاگری بر علیه فرقه ضاله بهائیت می باشد را دارد.

امید آنکه بتوان در جهت روشنگری اذهان مسلمین و تنویر افکار فریب خوردگان این فرقه ضاله گامهایی ارزشمند برداشت.

موفق باشید

منتظر شما هستیم

پایگاه اینترنتی بهائیت در ایران

ارتباط با ما :

[bahatismiran@bahatismiran.com](mailto:bahatismiran@bahatismiran.com)

[bahatismiran@gmail.com](mailto:bahatismiran@gmail.com)

[info@bahatismiran.com](mailto:info@bahatismiran.com)

[bahatism1@yahoo.com](mailto:bahatism1@yahoo.com)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

**بهائیت زدائی رهبران شیعه  
آنچه باید درباره بهائیان مراعات کرد**

به اهتمام

سید علیرضا علوی طباطبائی بروجردی

### پیش نوشتار

هر حرکتی که در جامعه دینی، کجراهه ای را برای تأمین مقاصد در کنار راه سعادت خیز راست به وجود می آورد، بایستی محیطی را که برای آن بستر سازی می شود، دقیقاً بررسی نمود تا دور از هر کم و کاستی، تعیین کننده جهت هائی باشد که در شکل گیری آن مؤثر بوده است.

برای نمونه، در آخرت آئین آسمانی، که خاتم پیامبران با آخرین کتاب آسمانی به رسالت مبعوث می شود، مؤبدان زرتشتی، احبار یهود همیشه دشمن، و اساقفه نصارا، علاوه بر برخورد های خلق الساعه که شاید ادامه هم نداشته، زیربنای تحریکاتی اساسی از قبیل تحریف و تحذیف آئین محمدی را ریخته اند. زیرا موبدان، احبار و اساقفه با اطلاعاتی که به واسطه پیشگویی پیامبران درباره حضرت ختمی مرتبت - صلوات الله علیه و آله - داشتند، با مروری سطحی به بعثت - که از غار حرا آغاز شد - به اهل بیت اصل امامت که بهترین دلیل آسمانی برای خاتمیت دین و نبوت و کتب الهی است پی برده، دانستند آنچه بعد از رحلت پیشوای اسلام، دین او را تا آخرین غروب دنیا از پیامبری دیگر بی نیاز می سازد، آن هم با قید این که دوران مشروعیت ادیان قبل از اسلام سرآمده است، استمرار ولایت با امت اوصیاء دوازده نفری حضرت رسول خدا می باشد. در حقیقت حضور تمام مدت وصی از اوصیاء خاتم پیامبران تا شام آخر دنیا است؛ که انقضای ادیان ما قبل اسلام را به طور مستمر به بشر گوشزد می نماید. و این تصور که امامی از امامان اولاد فاطمه و علی - سلام الله علیهما - بشریت را از بعثت پیامبری جدید بی نیاز می سازد، پیش از آنکه خوشحال کننده باشد، رنج آوری می نمود؛ زیرا خطر خیزی امامت برای ادیانی که تاریخ آنها سرآمده، کمتر از بعثت پیامبری جدید نبود.

چنین خیالات که چون خوره بر جان (سردمداران) قوم یهود و نصار افتاده بود، همراه با اندیشه تضعیف امامت، بل از میان برداشتن آن توأم شده، در مجالس سرّی مشورتی که برگزار می شد، سبک براندازی امامت را به شور و مشورت می گذاشتند. نتیجه اتحاد و اتفاق بین احبار و اساقفه، بر اصل امامت ادامه دهنده مسئولیت نبوت خاصه، با تصمیم های زیادی شکل گرفت. شاید به لحاظ این که از آنچه انجام می شد، نتیجه دلخواه و مطلوب خود را نمی گرفتند، لذا طرحی نو می انداختند که به بعضی از آنها اشاره می نمایم:

۱- آنچه از مطالعه موشکافانه واقعه تاریخ صدر اسلام به دست می آید، که بسیار حساس و تعیین کننده است، این مهم می باشد، یهود و نصارا نخست، نفوذی هایی را با نام مسلمانی در میان مردم مسلمان به پرسه زدن و جمع آوری خبر، مأمور نمودند. سپس در پی اندیشه نفوذ در کادر اجرائی حکومت نوپای اسلام، کسانی را به خدمت گرفتند که از موقعیتی خاص برخوردار بودند؛ آنها نه فقط به اخبار سرّی دسترسی داشتند، بل می توانستند با مانع تراشی بر سر راه هر اقدامی لازم و ضروری، مقاصد یهود و نصارا را تأمین کنند. به آنچه در بند دوم اشاره می شود توجه کنید.

۲- در ماجرای نزول مائده آسمانی که مرغی بریان برای رسول خدا آوردند، پیامبر اکرم فرمود: «بارالها! محبوب ترین خلق روی زمین را بر من وارد ساز تا با من بخورد» عائشه با شنیدن این تقاضای رسول خدا، می گوید: «بار خدایا، آن کس را پدر من قرار بده» حفصه دختر عمر بن خطاب می گوید: «خدایا، آن کس، پدر من باشد.» علی - علیه السلام - در ۳ نوبت به خانه وحی مراجعت می کنند، به بهانه اینکه «نبی اکرم به حاجتی مشغول است» مانع شرفیابی او می شدند، شاید با این تاخیر اندازی به خواست خود برسند.

۳- در ماجرای قلم و دوات طلبیدن پیامبر اکرم، که حضرتش می خواستند نصب علی - علیه السلام - به خلافت در غدیر خم را با قلم نبوت نیز به ثبت برسانند، جنجالی برپا کردند که تمام جزئیات آن گزارش شده است.

۴- در ماجرای جنگ روم که اسامه بن زید به فرماندهی انتخاب شد، در صورتی که رسول خدا متخلفین از فرمان او را لعن و نفرین کرده بودند، توطئه کنندگان که منتظر زمان رحلت پیامبر اکرم بودند، برای تأمین مقاصدی که داشتند، بایستی به هنگام رحلت پیشوای رنج کشیده اسلام حضور می داشتند تا بتوانند با تغییر دادن مسیر خلافت از پیش معین شده زمام امور خلافت را به دست گیرند.

۵- آنچه در سقیفه بنی ساعده - آن بنای بی بنیاد - شکل گرفت، خواست یهودیان به ظاهر مسلمان بود که به دست عوامل نفوذی خودی انجام شد.

۶- تبدیل خلافت اسلامی به حکمرانی به رسم پادشاهی روم و ایران که توسط معاویه بن ابی سفیان صورت گرفت.

۷- ادعای امامت برای حضرت زید بن علی بن الحسین - علیهم السلام - مهم تر استمرار آن با امامت بدلی.

۸- ادعای امامت برای حضرت اسماعیل بن امام جعفر صادق - علیه السلام -؛ خبیثانه تر ادامه آن، که امروز بدترین ارائه دهنده نوع اسلام عباسی است. زیرا بنی عباس بودند که جنبش ضد حکومتی علویان به رهبری اسماعیل را به فرقه ای که دارای امام بدلی است، تبدیل کردند.

۹- تعمیم دادن القابی که در انحصار امام - علیه السلام - است؛ نظیر «امیر المؤمنین» و بعد از مبتلا کردن اسلام به تصوف، «قطبیت» در ادامه همین منظور یهود پسند صدر اسلام بود.

۱۰- نهایتاً دعاوی باب و بهاء در پی فتنه «رکنیت» شیخیه، که رساله حاضر در رابطه با آن تنظیم شده است.

### \* حزب استعماری بهائیت

آنچه که از صدر اسلام به طرح خائنانه یهود و دستیارش نصارا برای مقابله با اصل ائمه اثنی عشر - علیهم السلام - صورت گرفت، بستر سازی بود برای قطبیت صوفیه و رکنیت شیخیه که به مظهریت بابیه و بهائیه انجامید تا در کنار مهدویت، مورد استفاده استعمار قرار گیرد.

امپراطوری عثمانی با عقائد و آراء شیخ احمد احسائی، کاظم رشتی مجهول الهویه روسی الاصل را که در خدمتش بود، برکرسی درست و جانیشینی احسائی نشانند. تا روزی که رشتی در حضور جاسوس روس و جاسوسان انگلیس به ظاهر طلبه، یکی از طلاب تبریزی پرسید، امام زمان - ارواحنا فدا - کجا هستند؟ و کاظم رشتی گفت: «چه می دانم، شاید الان همین جا تشریف داشته باشند.» کینیز دالگورکی، جاسوس کارکشته روس تزار، علی محمد شیرازی را برای اظهار امام زمانی تحریک کرد و او نخست مدعی باب بودن امام شد. در پی اعدام باب، به پیشنهاد انگلیس، حسینعلی نوری که بابی شده بود، در پی اعدام باب، به پیشنهاد انگلیس، حسینعلی نوری که بابی شده بود، شالوده بهائیت را در دل فتنه بابیت ریخته و تا ادعای الوهیت پیش رفت. آنچه مهم است ضرورت شناسایی این فتنه، در ادامه طرح های خائنانه یهود و نصارا در جهان اسلام است که خوشبختانه از عالمان برجسته شیعه گرفته تا محققان اسلامی و مبلغان نادم بابی و بهائی، هر کدام در این رابطه آثاری ارزنده و قابل استفاده را ارائه داده اند.

آنچه در این زمینه بر اثر تحقیقات دقیق به دست آمده، نقش خصمانه یهود است که به صورت های مختلف، به مقتضای زمان به کار گرفته شده، اموری است که جهان اسلام را با مشکلات عدیده، از جمله حزب استعماری بهائیت مبتلا کرد، همان یهودی که به فرموده استاد فرزانه حکیم معنوی ام، محقق گرانمایه، حضرت حجه الاسلام والمسلمین آقا محمد علی جاودان: «بعد از مسیح، چند تن یهودی از پیروان او کلیسای ابتدائی را تأسیس کردند. (سیرانحطاط دین در غرب، از استاد محقق محمد علی جاودان: ۵۹) (جایگاه صهیونیست های مسیحی در آمریکا: صلواتی پور: ۸۳) اگر بخواهیم به اسرار چنین اقداماتی پی ببریم، باید توجه داشته باشیم در حقیقت یهود با سیاست کلیسا سازی به دینی رسمیت می دهد که ناگزیر است از تورات یهودیان تبعیت کند.

چنانکه در خیانت یهودی سازی **فلسطین مظلوم** پاپ بندیکت پانزدهم در سال ۱۹۱۷ میلادی اعلام می کند «حاکمیت یهود بر سرزمین فلسطین پذیرفته نخواهد بود» در صورتی که پاپ پیوس دهم در پاسخ نامه «تئودر هرتزل» رئیس شورشیان صهیونیست، با اینکه متذکر می شود «ما نمی توانیم قوم یهود را به رسمیت بشناسیم» ولی می پذیرد اگر قوم یهود به فلسطین می آید تا ملتی را برپا نماید، ما و کلیه امکانات کلیسا برای غسل تعمید آماده خواهیم بود. (جایگاه صهیونیست های مسیحی در آمریکا، صلواتی پور: ۸۳) یا **مارکس** یهودی زاده با اقتصاد گرایی، اندیشه منشأ دین و مذهب «نای از عقل محدود و قاصری بشری است» (سیر انحطاط دین در غرب، استاد محمد علی جاودان: ۱۲۶) را می ریزد. این دو شاهد که بیش از چهل سال پیش، استاد بلند پایه، حضرت حجه الاسلام والمسلمین آقای محمد علی جاودان نسبت به **یهود و مسیحیت** در رساله ای کوچک، ولی پرمحتوای - برای همیشه قابل استفاده - اشاره نموده اند، گویا و تایید کننده این حقیقت غیر قابل انکار است که **یهود در تمامی فتنه های استعمار** دست داشته، بل نقش حساسی را عهده دار بوده است.

آری، یهودیان بودند که **علی محمد** بزاز زادهٔ مخبط و کودن شیراز را در بوشهر از هر جهتی تامین کردند. (زمینه سازان بهائیت) وبعد از اعدام او، **یهودیان** در خدمت استعمار پیر انگلیس، حسینعلی نوری به تمام معنا بی دین **نوکر تزار** را برانگیخت تا با یقین به اینکه برادرش یحیی، معروف به صبح ازل جانشین باب است، مدعی رهبری بابیان شود - هر چند با تأسیس حزب استعماری بهائیت، هر دو شیطان زادهٔ مجسم ریاست داشتند. به هر روی باب و بها براساس «**خدایی که در تورات معرفی می شود و موجودی است بسیار شبیه انسان**» (سیر انحطاط دین در غرب: ۱۴۴) ادعای خدائی می کنند. با فرق این که در تورات «پیامبران بزرگ، دارای گناهان و نقص های بشر معمولی» می باشند. (سیر انحطاط دین در غرب: ۱۴۵) ولی در مورد علی محمد و حسینعلی، افرادی از نوع بشر معمولی، باید توضیح داد در مقام خدائی، دارای گناهان و نقص هایی هستند که ابناء بشر هم به ندرت به آن مبتلا می باشند. ولی خوشبختانه **مرجعیت همیشه بیدار تشیع**، در مواقع ضروری تا سرحد شهادت، به دفاع از اسلام، آخرین دین آسمانی، در صحنه های هولناک حضور داشته و به هر نوع ممکن **کجراهه هایی** را که نه فقط مسلمانان، بل بشریت را به پرتگاه عمیق ضلالت می کشانده تا در خدمت مقاصد شوم استعمار باشند، مسدود، بل منهدم کردم است. در ارتباط با **فتنه بابیه** که در مدرس **شیخیه نجف** شکل گرفت و به بهائیت حزب همیشه در خدمت استعمار انجامید، می باید از مجاهدتهای فقیه فقهاء، استاد و مربی علمی معنوی زعمای حوزه های علمیه شیعه قرن معاصر، حضرت آیت الله العظمی مرحوم حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی - قدس الله روحه العزیز - نام برد. شخصیتی که بعد از قرن ها حوزه مقدس را از اطاعت علمی حوزه مجتهد پرور نجف اشرف - که مرکز تربیت فقهاء امامیه بود - بیرون آورده، به تبعیت از قم واداشت. راقم سطور که افتخار انتساب به دودمان آن بزرگوار را جهت شفاعت به یوم الحشر می برم، در مسیر مطالعات روزانه که پیرامون علل و انگیزه صوفی سازی در حقیقت عارف سوزی ساعاتی را با کتاب و قلم و دفتر سپری می کنم، به لحاظ هایی که بهائیت را به شیخیه و این مسلک را به صوفیه ربط میدهد، با آثاری که تعریف کننده واقعیت های مربوط به حزب استعماری بهائی گری بود برخورد می کردم که افتخار زیارت فتوای استاد الفقهاء والمجتهدین آیت الله الاکبر حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی - سلام الله علیه - نصیبم شد.

بعد از برخورد با این فتوای جامع بی نظیر، آن هم در عصری که رجال برجسته سیاسی، لشکری و کشوری ایران، زر خریدانِ بله قربان گوی بیت العدل بودند، حتی برای پذیرفتن مناصب حکومتی دوران ننگین پهلوی، با آن مرکز استعماری ضد بشری مشورت می کردند، اندیشه مطرح نمودن مجدد فتوای عالیترین مقام دینی - شیعی مرا به خود سرگرم کرده بود؛ نه اینکه تصور شود شیعیان غیور به وظائف مذهبی - ملی خود در قبال اعضای فریب خورده این مرکز

استعماری - که هر عضو آن لانه جاسوسی ضد ایرانی است - آشنا نمی باشند، نه، بل به لحاظ هایی نظیر آنچه شیخ حسینعلی منتظری به بهانه حقوق شهروندی بهائیان به قلم آورد تا مرکز وابسته و بی اعتقاد استکبار جهانی در مسیر رسمیت دینی دادن به بهائیت یا آنچه به آن مربوط می شود، از آن استفاده ها کنند. در صورتی که بهائیان در هر کجای خاک ایران دیده شوند، نه اینکه غده سرطانی می باشند که فرد راروانه ی گور می کنند، بل مانند «ایدز» خواهند بود که در برخوردها، افراد را به مرض استعمارزدگی مبتلا می نمایند. در حقیقت همانطور که جنازه مبتلایان به مواد مخدر «کراک» را به جهت تکه تکه شدن اعضا، مرده شویان نمی شویند و به خاک می سپارند، بهائیت نیز مانند «کراک» به هر شکلی در هر جامعه ای از جوامع بشری که دارای هر دین و آئین باشد نفوذ نماید، آن جامعه را تکه تکه می کند، در حقیقت راه را برای استیلای استعمار از هر مانعی هموار می سازد. به لحاظ چنین مهمی، مصمم شدم فتوای حضرت ایشان را که از جامعیت بی نظیری برخوردار می باشد، به نظر حضرات آیات رسانیده تا گفته باشیم بهائیان اگر هم از بد حادثه حکم شهروندی داشته باشند، دارای حقوقی نخواهند بود.

### \* با نحوه شکل گیری بهائیت آشنا شوید

در رجب ۱۱۶۶ احمد نامی از مردمان احساء که مقدمات دانش دینی را نزد آموزگاران محلی آموخته بود، زادگاهش را جهت تکمیل دروس عالی حوزوی به قصد عتبات عالیات، مرکز علمی تشیع آن زمان ترک کرده، وارد حوزه مقدس نجف اشرف می شود. تا سال ۱۱۸۶ به روش خاص مدرسان عالی رتبه حوزه کهنسال شیعه که تماما از شخصیت های برجسته جهان تشیع، در حقیقت اسلام ناب محمدی بودند، به دانش آموختن سپری می نماید. واز محضر مفاخر عصر که بزرگان زمان بودند تقاضای اجازه نموده، ایشان طبق سنت سنیه رائج، احمد احسائی را به دریافت اجازه روایی که از جمله اجازات ثلاثه مرسوم امور حسبیه، روایی واجتهاد می باشد مفتخر می نمایند - که بعدها طرفداران احسائی جهت مجتهد خواندن او، مدعی می شوند اجازه ای که بزرگان عصر به او مرحمت کرده اند، اجازه ی اجتهاد بوده است. (متن اجازات که در کتاب بهائیان آمده است اجازه روایی می باشد، نه اجتهاد)

بعد از دریافت اجازاتی که با تقاضا از عالیتین شخصیت های زمان دریافت کرده بود، به تدریس پرداخت. تردیدی نیست در این مرحله از شروع فعالیت، عقاید وافکاری را که بعدها اظهار داشت مطرح نمی کرد. صرفا به سنت مرسوم و رائج حوزه، مباحثه ای را انجام می داد. در حقیقت چنین شخصیتی را عملی می کرد که بعدها مورد استفاده اش قرار داد. در این ایام به روش حوزات علمیه که طلاب علوم دینی در صورت توانایی برای وعظ و بیان معارف اسلامی به تبلیغ اعزام می شوند و یا شخصا بدون تقاضای جمعیتی زیر نظر استادی از استاتید حوزه، ایام تبلیغ به اطراف محل تحصیل عزیمت می کنند، احمد احسائی به بهانه تبلیغ عازم ایران می شود و در جمع مردمان یزد، اصفهان، خراسان، خوزستان، قزوین و ... نه فقط برحسب ظاهر، مجالس وعظ وخطابه ایام مخصوصه مرسوم در تشیع را اداره می کند، بل به جذب مؤمنانی که بعدها ناشر عقاید و آراء و سپس اتباع شیخیه، بل تشکیل دهنده آن براساس افکار و سلیقه های اعتقادی او شدند می پردازد. در این زمان فردی به نام کاظم رشتی طبق طرح قصه ای که اتباع شیخیه نقل کرده و می کنند، از رشت وارد یزد، و گوئی به اتفاق شیخ احمد وارد عتبات عالیات می شود.

آنچه نباید در این گشت وگذارهای احسائی فراموش شود، دلبستگی به ظاهر اعتقادی فتحعلیشاه قاجار و شاهزادگان قاجاریه است که با داستان های شیرین و شنیدنی نظیر بهشت فروشی احسائی توام می باشد.

اگر مستندی برای جهت دار بودن ارتباط شیخ با دربار قاجار که لانه جاسوسان حرفه ای است، در دست نداشته باشیم، با اجتهاد در روش و رفتار احسائی و تقاضای دیدار فتحعلی شاه با توجه به سبک و سیاق تأثیر گذاری جاسوسان خارجی بر شاه ایران وسیر و سیاحت مشکوک احسائی، می توان نتیجه گرفت هدایت کننده ای وابسته به امپراطوری عثمانی یا

روس یا انگلیس، بدون اینکه شناخته شود، طلبه ای گمنام را در حد شخصیتی علمی آن هم نزد شاه و امراء لشکری و کشوری مطرح می کند. او که به اعتبار سبک و سیاق زندگی طلب شهرت و آوازه بوده است، براساس مثل معروف «اگر می خواهی شهره آفاق شوی، کتابی در بی اعتباری آخرت» به بازار ارائه داده، با لذت زنده باد و مرده باد، مستی ها کن، شیخ احمد احسائی با توجه به مرتبت و منزلت نیابت حضرت امام دوازدهم، به طرح واسطه بین امام و امت پرداخت، تا مدعی شود در هر دوره ای شخصی وجود داشته و دارد که حوائج شیعیان را به امام زمان انتقال می دهد. در این طرح، دو موضوع بسیار مهم هدف قرار گرفت که با توجه به «رکن رابع» خواندن آن، متوجه خواهیم شد احسائی با طرح چنین مرتبتی نظیر «نیابت خاصه» هم موقعیت بی نهایت حساس «نیابت عامه» فقهاء روات حدیث را که یگانه نهاد مشروع ایام غیبت می باشند خدشه دار ساخته، و هم از ضرورت تبعیت بی قید و شرط ذوات مقدسه نواب عامه شانه خالی کرده است. در حقیقت تنها مانع رسیدن به شهرت را از سر راه خود برداشته است. و با توجه به سه رکن توحید، نبوت و امامت، این ابداع را به نام «رکن رابع» آن هم با قید «ناطق واحد» اشاعه داد...

اگر قول معدود کسانی را که بر حسب ظاهر شیخی نیستند بپذیریم، شیخ احسائی از ناحیه قدرت سلطه گران خارجی، مأمور طرح چنین فتنه ای که مبدأ و منشأ فتن زیادتی شد نبوده است، ناگزیر به لحاظ آثار و نتایج سوء بدعت «رکن رابع» که به مسلک های منحرف در خدمت استعمار سلطه گر، نظیر شیخی گری، بابی گری، بهائی گری، قادیانی گری و ... انجامید، قبول می کنیم قلدوران سلطه گر عثمانی، جاسوس روس تزار و در حاشیه انگلیس که پیوسته در صدد طرح خط مشی مقابله کننده با مرجعیت ضد استبداد، ضد استعمار و ضد سلطه بودند، با شنیدن جنجالی که فتنه «رکن رابع» به پا کرد، یا گزارش جاسوسان مراکز اطلاعاتی روس تزار و عثمانی، اظهارات اعتقادی احسائی را بهترین وسیله برخورد با مرجعیت نواب عامه شناختند و لذا به تقویت همه جانبه احسائی پرداختند.

گذشت زمان که ماهیت شیخ احمد احسائی را با ابزار و اظهار عقائد و افکارش برملا ساخت و با مخالفت های علمی و برخورد های فقهی مواجه نمود، حکم به تکفیرش داده شد؛ علاوه بر این که امپراطوری عثمانی، روس تزار و انگلیس بیش از پیش به شیخیه حساس شدند، گرفتاران احسائی به صورت دارو دسته ای در آمده، به لحاظ شهرت احسائی به «شیخ» افراد وابسته به او «شیخی» و مسلک فکری اش «شیخیه» خوانده شد.

با ناپدید شدن احسائی و اعلام مرگ او، کاظم رشتی بدون هیچ سندی ادعای جانشینی احسائی را نمود. شاگردان رشتی که بعدها مدعیان جانشینی او، مهم تر سیاهی لشکر او شدند، نام شیخیه را که بر سر زبان دوست و دشمن بود، برای مسلک خود پسندیدند. و به عنوان وارث احسائی به حفظ و حراست از شاخه های مسلک شیخیه پرداختند.

در روزگار ریاست کاظم رشتی نوع فعالیت دو امپراطور عثمانی و روس تزار وارد مرحله شکل گیری شد. عثمانی به تقویت آشکار و نشان دار ضد شیعی رشتی پرداخت و به تفرقه اندازی بین شیخیه و سنی عراق اکتفا کرد؛ ولی جاسوس روس نیز که به همین منظور و مقصود وارد عتبات عالیات شده بود، پارا فراتر گذاشته، براساس اظهارات رشتی در جلسات درس، حصار را به «قرب ظهور امام زمان بشارت داد» (نقطه الکاف، میرزا جانی ۹۸-۱۰۳+ مطالع الانوار، زرندی، تلخیص و ترجمه عبدالحمید اشراق خاوری: ۳ تا ۶، ۷، ۱۲+ محمل بدیع، یحیی صبح ازل، ۴-۵) اندیشه تربیت یا تحریک شخصی را که مدعی قائمیت شود در سر و سر خود رشد می داد.

عدم تعیین جانشین از ناحیه کاظم رشتی را بهترین وسیله برای زمینه سازی مدعی قائمیت دانسته، سعی در اشاعه آن نمود.

کینیز دالگورکی که رفیق گرمابه و گلستان علی محمد شیرازی شده بود او را بهترین وسیله برای نیل به آرزو شناخته، علی محمد را برای هر نوع دعوی آماده دید، زیرا علاوه بر القائات او، سابقه این نوع انحرافات را از زمان حضور در مکتب



شیخ عابد شیخی شاگرد احمد احسائی و کاظم رشتی ( تلخیص تاریخ نبیل زرنندی، اشراق خاوری ۶۳-۶۴) و شاگردی در تجارخانه...

...مهم تر از سن نوزده سالگی در خدمت کاظم رشتی بودن ( ظهور الحق فاضل مازندرانی: ۹۷/۳) و تلمذ نزد ملاصادق خراسانی شیخی مذهب داشت. ( اسرار الاثار فاضل مازندرانی: ۴/۳۷۰) جاسوس روس با توجه به این سابقه و شیطنت هایی که خود در ارتباط با علی محمدبه کار گرفته بود، بعد از مرگ کاظم رشتی در سال ۱۲۵۷ نامبرده را به قصد اعلام امام زمانی عازم شیراز نمود. ولی علی محمد با ورود به زادگاه و بررسی همه جانبه موضوعاتی که به ادعایش مربوط میشد، زمینه ادعای امام زمانی را فراهم ندید. ولذا یک پله پایین تر آمده، صلاح رادر این دید خود را باب حضرت امام دوازدهم یا واسطه میان امام و مردم که همان « شیعه کامل» و « رکن رابع» مرسوم « شیخیه» (نقطه الکاف ۱۰۶+خاطرات صبحی: ۴۷، ۴۸+بهائیکری کسروی: ۲۲) است معرفی کند. امر واسطه بین امام و مردم را که احسائی نوکر مقرب نام نهاده بود، با «رکن رابع» تکمیل کننده سه رکن توحید، نبوت و امامت قرار داده بود، «ذکر» نامید. چنانکه در آغاز تفسیرش بر سوره یوسف می نویسد: همانا خدا مقرر کرده که این کتاب از نزد محمد پسر حسن، پسر علی، پسر محمد، پسر علی، پسر موسی، پسر جعفر، پسر محمد، پسر علی، پسر حسین، پسر علی، پسر ابی طالب بر بنده اش برون آید تا از سوی ذکر علی محمد- حجت بالغه خدا بر جهانیان باشد.» (احسن القصص ۱)

دو گروه از ادعای او استقبال کردند: شیخیه شیراز که با مرگ کاظم رشتی در جستجوی «شیعه کامل» در حقیقت «رکن رابع» بودند، و شیعیان عوام ساده اندیش که مشتاقانه در پی شناخت رابطه بین امام و مردم، از هر کجا صدائی می شنیدند، خود را به او می رساندند. بعد از گرویدن این دو گروه و هیجده تن از شاگردان زبده و سرشناس کاظم رشتی که همگی شیخی بودند و به حروف حی شهرت یافتند. (الکواکب الدریه: ۱/۴۳) پس از سفری به مکه، با مراجعت به بوشهر، دستور داد تا در یکی از مساجد، عبارت « اشهد ان علیا قبل نبیل باب بقیه الله» رادر اذان داخل کنند (بهائیان محمد باقر نجفی: ۱۶۸) تا تصریح کرده باشد علی نبیل (که به حساب جمل با علی محمد) برابر می شود، باب امام زمان- علیه السلام- است.

ادعای باب دوازدهم با استقبال شیخیان و ساده لوحان شیعه، رو به شهرت گذاشت. علی محمد زمینه را برای ادعای حجت و مهدی موعود بودن آماده دید؛ در سال ۱۲۶۰ چنانکه میرزا جانی کاشانی آورده است، نشانه های «حجت و امام منتظر که کاظم رشتی بیان کرده بود، همه بر علی محمد راست آمد و در سال ۱۲۶۰ خود را قائم و حجت خواند و بابیت را به ملاحسین بشرویه ای تفویض کرد.» (نقطه الکاف: ۱۰۲-۱۰۶) در جمع گفت: «منم آن کسی که هزار سال می باشد که منتظر آن می باشید» (نقطه الکاف: ۱۳۵) و نزد علماء شیراز صریحا نوشته های خود را وحی الهی و افصح از قرآن (بیان فارسی: ۵۴) و ناسخ اسلام دانست. (فتنه باب، اعتضاد السلطنه به کوشش عبدالحسین نوائی: ۱۶) ولی در سال ۱۲۶۱ که به دستور والی فارس او رادستگیر و به شیراز فرستادند، نزد امام جمعه آن شهر توبه کرده، به قول خود بایبان، برفراز منبر در حضور مردم گفت: « لعنت خدا بر کسی که مرا وکیل امام غائب بداند! لعنت خدا بر کسی که مرا باب امام بداند» ( تلخیص تاریخ زرنندی، عبدالحمید اشراقی: ۱۴۱)

به هر روی به مساله باب امام اکتفا نکرده، ادعای نبوت و رسالت نمود. و به گمان خود احکام اسلام را با نوشتن کتاب سراسر غلط و بی محتوا، بل خنده آور «بیان» نسخ کرد. و در آغاز آن نوشت «در هر زمان خداوند جل و عز کتاب و حجتی را از برای خلقت مقدر فرموده و می فرماید، در سنه هزار و دویست و هفتاد (۱۲۷۰) از بعثت رسول الله، کتاب را بیان، و حجت را ذات حروف سبع (علی محمد که دارای هفت حرف است) قرار داد.» (بیان عربی: ۳)

در اثبات این هجوایات، دعاوی زیاد نمود تا خویش را در جایگاهی قرار دهد که در انحصار انبیاء و ائمه معصومین - علیهم السلام - است. برای نمونه فرمایشهای رسول خدا - صلی الله علیه و آله - را که در بیان موقعیت علی امیرالمؤمنین ایراد نموده، فرموده اند «هر که خواهد در جلالت آدم، حکمت شیث، مهابت ادریس، شکر و عبادت نوح، وفا و دوستی ابراهیم، خشم موسی نسبت به دشمنان خدا، دوستی عیسی نسبت به مؤمنان بنگرد، به علی بن ابی طالب نظر کند» (تفسیر برهان: ۱/۱۴۱ + شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۹/۱۶۸) الگو قرار داده، مدعی می شود: «او همان آدم و نوح و ابراهیم و موسی و سایر پیامبران است و بلکه اشراف از آنان». (نقطه الکاف به کوشش ادوار براون ۲۴۴) و وقتی از او برای این لاطائلات دلیل می خواستند، به پیروی از شیخیه می گفت «فیض الهی در هدایت خلق تعطیل بردار نیست». و چون با مشکل خاتمیت مواجه بود، می گفت: «پیامبر خاتم دوره نبوت سابق است و او مؤسس دوره جدید نبوت است» (مرآت العارفین فی دفع شبهات المبطلین، احمد شاهرودی: ۱۲۱) بلکه پارا فراتر گذاشت و مدعی شد هر ظهوری اشرف از ظهور پیش و مشتمل بر آن است؛ و مشیت اولیه در هر ظهوری اقوی و اکمل از ظهور قبل است. (بیان عربی ۳-۱۰ بیان فارسی ۵۰ تا ۸۱، ۸۲) به این معنا که من موجودی «زلی» هستم و در دوران های مختلف به مظاهر و اطوار گوناگون ظاهر شده ام.

اینجا بود که ساده لوحان عوام شیعه که فریب ادعای باب امام بودن علی محمد را خورده بودند، از او برگشتند. حتی برخی از آنان صریحا با او مخالفت کردند؛ چنانکه عبدالحسین آیتی می نویسد «مربدان علی محمد در جنگ های قلعه طوس و زنجان از مسلمانی دم می زدند و نماز می گزاردند و از بابیت علی محمد جانبداری می کردند». (الکواکب الدریه: ۱/۱۶۳، ۱۹۵) به محض اینکه از ادعای مهدویت علی محمد تغییر احکام اسلام باخبر شدند، به شدت از او روی گرداندند. (الکواکب الدریه: ۱/۱۳۰)

کار علی محمد که به این رسوائی کشید و با توبه های مکرر توام گردید، مهم تر به احمد احسائی و کاظم رشتی ربط پیدا کرد، شاخه های شیخیه در صدد رفع ننگ این ربط برآمدند. شاخه کریم خانی کرمانی به کلی از بایبه بیزاری جستند، در صورتی که عقاید آنان راه علی محمد را در طرح چنان دعاوی هموار ساخته بود. برای نمونه شیخیه کریم خانی معتقد بودند امامان اثنی عشر - علیهم السلام - مظاهر الهی، و دارای صیانت و نعوت باری تعالی هستند و علل اربعه موجودات و مشیت خدا و دست خدا در اجرای جمیع امور وجودیه و کونیه و شرعیه به شمار می روند؛ و در عصر غیبت به مقتضای حکمت و رحمت کامله خدا، همواره کسی حضور دارد که بلاواسطه با امام غائب مرتبط بوده، و واسطه فیض میان امام و امت باشد. یا به طور مثال، عقاید دیگری که تشیع را بر پایه رکن یا اصل معرفت خدا و توحید معرفت نبی - نبوت - معرفت امام - امامت و معرفت شیعه کامل - رکن رابع - که همان باب یا واسطه فیض است، دست مایه علی محمد برای دعاوی او گردید. (مقدمه نقطه الکاف به قلم ادوار براون: یح - یط + خاطرات صبحی: ۴۷ + نقطه الکاف: ۸۶)

### \* بهائیت

علی محمد که از آغاز ادعای بابیت تا مظهر نفس پر وردگار بودن (بیان عربی: ۱) عقاید و آرای متناقضی را ابراز می کرد، خود را مبشر ظهور بعدی شمرده، او را «من یظهره الله» خواند؛ «او را اشرف و اعظم از خود شمرد و تصریح کرد کمال دین - بیان - در ظهور اوست» (بیان عربی: لا-۶) و در ایمان پیروانش بدو، تأکید فراوان داشت. علاوه بر این که با تعیین یحیی صبح ازل، تلویحا تفهیم کرده بود که «من یظهره الله» عصر من را درک نمی کند، اضافه نمود از: «وقت ظهور من یظهره الله کسی جز خداوند عالم آگاه نیست.» (نقطه الکاف: ص ل - نچ)

ولی میرزا حسینعلی نوری، خبر چین سفارت روس تزار ایران با اینکه علی محمد را ندیده بود، به او گروید و با جدیت به تبلیغ عقاید او برخاست. (تاریخ نوبنیاد ترجمه عبدالجلیل سعد: ۸۸-۹۳) و بعد از مرگ به عنوان پیشکار و نایب او

برخاست. «علی محمد به سروری و جانشینی برادرش میرزا یحیی اقرار نموده (نقطه الکاف: ۲۲۴) تا این که حسینعلی در آغاز محرم ۱۲۶۹ وارد بغداد شد و به اطاعت از یحیی صبح ازل به تبلیغ عقاید باب مشغول گردید که چند تن از بابیان برخلاف ضابطه زمانی که علی محمد باب برای ظهور من یظهره الیهی - کسی که خدا او را آشکار می کند - معین کرده بود، ادعای من یظهره الیهی کردند. (مستیعظ صبح ازل: ۳، ۲۸) اما عده ای از آنان کشته شدند و برخی از ادعای خود برگشتند. (نقطه الکاف، مقدمه براون: لط، م + انشعاب در بهائیت پس از مرگ شوقی افندی، اسماعیل رائین: ۸۲) در همین زمان حسینعلی نوری پیشکار یحیی صبح ازل، جانشین باب نیز مدعی من یظهره الیهی شد و با مخالفت شدید بابیان و صبح ازل مواجه شده، به ناچار با نام مستعار در لباس درویشان، بغداد را به قصد سلیمانیه ترک کرد. و در جرگه درویشان قادر به روزگار می گذرانید. (قرن بدیع، شوقی افندی ترجمه نصرالله مودت: ۱۱۷/۲) بعد از مدتی از آنجا نامه تضرع و ندامت به صبح ازل نوشت (هشت بهشت: ۳۰۲) تقاضای با ندبه و انابه اش مورد قبول یحیی واقع شده، به جمع بابیان بازگشت. (نقطه الکاف، مقدمه: او، لط ۳ + مفتاح باب و بهاء زعیم الدوله: ۲۲۰) بعد از مدتی به تحریک میرزا قاجان کاشانی، باز به دعوی برخاست، تا این که در اواخر دوره اقامت در بغداد در باغ نجیب پاشا - که بعداً بهائیان باغ رضوان نامیدند - خود را «من یظهره الله» خواند. (بدیع الله کتاب اقدس: ۶) و این ادعا را در ادرنه تکرار کرد و از همانجا نزاع وجدایی بین حسینعلی و صبح ازل آغاز شد. در صورتی که علی محمد باب، زمان تقریبی ظهور من یظهره الله را دو هزار سال بعد از خود معین کرده بود.

از این تاریخ بود که باقی ماندگان بر جانشینی صبح ازل ربابی ازلی خواندند و آنهایی که حسینعلی را به مقتدایی قبول کردند، بهائی خوانده شدند. در هر حال، منازعات ازلی و بهائی در ادرنه شدت گرفت و اهانت و تهمت، افتراء و کشتار رواج یافت، هر یک از دو طرف بسیاری از اسرار یکدیگر را فاش کردند. بدین ترتیب بهائیت شکل گرفت.

### \* از شهید برغانی تا نایب الامام، امام خامنه ای

آن روز که شیخ احمد احسائی در گشت و گذارهای مرموزانه، حدوداً ۱۲۴۰ به قزوین رسید و مورد استقبال علماء بزرگوار آن سامان قرار گرفت، به تصور خام و مریض خود زمینه را برای اظهارات خویش آماده دید، جسته و گریخته در بین عوام به زبان می آورد. نامأنوسی اهلی قزوین با اظهارات احسائی موجب شد که مؤمنین، شنیده های خود را نزد علماء شهر، خاصه ملا محمد تقی که از مشاهیر علماء شیعه در قرن سیزدهم و سرشناس ترین دانشمندان خاندان برغانی بود مطرح کنند. شنیده های عالمان قزوین، زمینه چند جلسه فی ما بین ایشان و احسائی را فراهم آورد.

برغانی که رهبری دینی و تربیت طلاب علوم دینی را به عهده داشت، به نمایندگی علمات احسائی را به مناظره طلبید، که حاصل آن تکفیر احسائی بود. در حقیقت علماء طراز اول شیعه، شخصیت هایی که در مقام مرجعیت قرار داشتند، همان بزرگوارانی که به احسائی اجازه روائی داده بودند، او را تکفیر کردند.

واکنش علمی برغانی علیه احسائی، دشمنی مدافعان او را برانگیخت. اما او نه تنها مخالفت های آشکار شیخیان نهراسید، بلکه از مخالفت با این نحله استعماری دست نکشید و با پیدایش بابی گری بر شدت و قوت مبارزه خود افزود، پیروان این فرقه را کافر شمرد. (الذریعه: ۲، قسم ۱، ص ۲۲۷ + موسوعه البرقاتی فی فقه الشیعه، مقدمه عبدالحسین صالحی: ۱۷/۱ + شهدا الفضلیه، علامه عبدالحسین امینی: ۳۲۳) همین موضع گیری قاطع و علنی بود که موجب شد در سحرگاه ۱۵ ذی القعدة ۱۲۶۳، هنگامی که طبق معمول در مسجد به عبادت مشغول بود، با ضربه های مهلک چند نفر بابی به شهادت رسد (الذریعه، ۲، قسم ۱، ص ۲۲۷ + موسوعه البرعانی فی فقه الشیعه: ۱۷/۱ + اعیان الشیعه: ۱۹۷/۹ + قصص لعلماء تنکابنی: ۵۷) و شرافت شهید ثالث را بعد از محمد بن مکی شهید اول و زین الدین بن علی شهید ثانی نصیب برد.

مخالفت علماء دوره ناصری با گمراهان بابی و بهائی که مورد تأیید سلطه گران انگلیس قرار گرفته بودند قطع نشد؛ تا این که حسینعلی نوری معروف به بهاء علیه برادرش یحیی صبح ازل، جانشین رسمی علی محمد باب، موجب انشعابی در بابیه بود. وبه صورت دو گروه گمراه کننده بابی گری و بهائی گری درآمده، با تأییدات و حمایت های همه جانبه استکبار جهانی، به اغفال مسلمانان مشغول شدند. در آستانه انقراض حکومت دست نشانده قاجار، اردشیر جی از یمین الملک که از منتقدین و کاملین بهائیت بود، می خواهد تا صاحب منصبی بلند قامت و خوش قیافه را معرفی نماید. اولاً این که آن صاحب منصب باید صاحب منصب قزاق باشد، ثانیاً شیعه اثنی عشری خالص نباشد، این را دوبار تکرار می نماید. و او رضاخان میر پنج را معرفی می کند. پس از به شاهی رسیدن او بود که مبلغان مسلک استعماری بهائیت، آزادانه با وسائل عیش و عشرت با وعده هایی که تائبان و نادمان بهائی در نوشته های خود آورده اند، به فریب و اغوای بندگان زر و سیم و سرسپردگان به خواسته های شیطانی پرداختند.

علمای شیعه در تمامی دوره های رضاقلی، بدون ترس و وحشتی از قلدورهای او، مبارزه با بابی گری و بهائی گری مورد تأیید رضا خان را ادامه دادند تا اینکه در دوره زعامت و پیشوایی استاد فقیهان، مربی مجتهدان، آیه الله اکبر حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی - قدس الله روحه العزیز - نه حکومت محمد رضا، بلکه زمان سرنوشت مملکت، در واقع امور جاری کشور به دست امراء لشکری و کشوری بهائی بود. در این مقطع حساس، حضرت آیت الله العظمی بروجردی، بی باکانه عملاً به مبارزه با بابی گری و بهائی گری پرداختند و خوشبختانه جزئیات آن در تمام متونی که پیرامون تاریخ معاصر در دسترس می باشد به چاپ رسیده است.

از جمله آن چه به رهبری وزعامت حضرت ایشان انجام گرفت، فتاوی شجاعانه ای بود که وظائف مسلمانان، خاصه شیعیان رامشخص و معین می نمود. و توانست در مقابل حمایت های همه جانبه دولت وقت، سخت ترین ضربات مهلک را بر تمامی طبقات بابی و بهائی وارد آورد. هر چند بهائیان با حمایت های انگلیس، اسرائیل و آمریکا تجدید قوا می نمودند، ولی به عنوان فرقه استعماری ضد بشر در خدمت اسرائیل خونخوار شناخته شدند.

در پی رحلت ایشان، شاگردان مجتهد جامع الشرایطی که تربیت شده آن بزرگوار بودند. به نوبه خود نسبت به فرقه های ضاله، خاصه بابی گری، بهائی گی، کسروی گری، قادیانی گری و صوفی گری برخورد نموده، طریق و روش، آئین ها و باورهای آنها را ابتدای پیدایی، در میان مسلمانان به عنوان یک انحراف اعتقادی - گروه گمراه - معرفی کردند. و با شناختی کامل از قطبیت صوفیه و رکنیت شیخیه این وسیله های مقابله کننده با امامت امام معصوم - علیه السلام - را مقدمه به وجود آمدن مسلک های استعماری نظیر بابی گری و بهائی گری دانستند.

### \* هشدار های امام خمینی در مورد بهائیت

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی - قدس الله روحه العزیز - پیوسته به خطر بابیه و بهائیه اشاره کرده و جامعه اسلامی را متوجه این شبکه های استعماری، در واقع لانه های جاسوسی می نمودند.

در دوران تسلط رژیم به تمام معنا خدمتگزار بهائیت، از محل تبعید، مردم را مأمور می نمودند «هر گوشی که سخنان من را بشنود لازم است به دیگران بگوید، مردم را متوجه کنید تا به دولت بگویند ما حاضر نیستیم استان های این کشور تحت تصرف بهایی نمایانده یهود درآید.» (صحیفه امام: ۱/۱۰۴) و هم هشدار داده بودند «استقلال مملکت و اقتصاد آن در معرض قبضه صهیونیست ها که در ایران به حزب بهایی ظاهر شدند.» (صحیفه امام: ۱/۱۱۰) می باشد. بار دیگر به خیانت حکومت پهلوی نسبت به اسلام و مسلمانان اشاره نموده، فرموده بودند «اخیراً به دو هزار نفر بهائی تذکره داده اند و به لندن رفته برای شرکت در محفلی که به ضد اسلام... تشکیل می شود و به هر یک پانصد دلار ارز و هزار و بیست تومان تخفیف برای هواپیما دادند.» (صحیفه امام: ۱/۱۲۶)

به اهالی و روحانیون همدان پیغام داده بودند: «دولت شما می خواهد به دست بهائی ها واسرائیلی ها شما را از بین ببرد.»  
«دولت شما در یک معامله فروش روغن و مود نفتی از شرکت نفت به ثابت پاسال (بهائی معروف صاحب کارخانه پیسی کولا قبل از انقلاب) پنج میلیون تومان (آن زمان) استفاده رسانده است.» (صحیفه امام: ۲۲۷/۱) تذکر، بل هشدار داده بودند: «کم کم، امروز بهائیترا در ادارات راه می دهند و با یهودی ها ارتباط برقرار می کنند و فردا می گویند اصلا دین باید از قانون الغاشود.» (صحیفه امام: ۳۴۶/۱)

در اعلامیه ای هم «بابیت و بهائیت و وهابیت» (صحیفه امام: ۲۰۴/۱) را همداستان علیه ایران، مهد اهل بیت عصمت و طهارت - علیه السلام - می شناسانند و می فرمایند: «ما با اسرائیل و بهائی ها نظر مخالف داریم» (صحیفه امام: ۷۷/۱) که «دستگاه بهائیت دستگاه جاسوسی یهود است.» (صحیفه امام: ۱۲۳/۱)  
و در یک جمله توجه داده بودند که «بهایی ها یک مذهب نیستند، یک حزب هستند، یک حزبی که در سابق، انگلستان پشتیبانی می کرد و حالا هم آمریکا دارد پشتیبانی می کند. اینها هم جاسوس اند، مثل آنها [حزب توده]» (صحیفه امام: ۴۶۰/۱۷) و پس از پیروزی انقلاب به این تذکر می دهند افرادی نظر بهایی ها، مضر به حال مملکت هستند، آزادی داده نخواهد شد. (صحیفه امام: ۲۹۹/۵)

### \* فتاوی حضرت نایب الامام امام خامنه ای

مدظله العالی - که با حکم فقهاء خبرگان، زعامت و ولایت امری جهان اسلام را به عهده گرفتند، در مقام مرجعیت و فقاقت شیعه، نسبت به چگونگی ارتباط با اعضای فرقه گمراه بهائیت مورد سؤال قرار گرفته و فتاوی زیر را صادر فرموده اند.

سؤال ۱: معاشرت و همنشینی و دست دادن دانش آموزان با دانش آموزان پیرو فرقه گمراه بهائیت، اعم از این که دختر باشند یا پسر، مکلف باشند یا غیر مکلف، در داخل مدرسه یا خارج از آن، در دوران ابتدائی، متوسط و پیش دانشگاهی چگونه است؟

سؤال ۲: رفتار استادان و مربیان با دانش آموزان که بهائی بودن خود را آشکار می کنند و یا یقین داریم که بهائی هستند، چگونه باید باشد؟

سؤال ۳: استفاده از وسایلی که همه دانش آموزان از آنها استفاده می کنند، مانند شیر آب آشامیدنی، شیر توالت و آفتابه و مانند آن، صابون و مانند آن، با این که علم به مرطوب بودن دست و بدن داریم، چه حکمی دارد؟  
در جواب ۳ سؤال اول حکم فرموده اند: همه پیروان فرقه گمراه بهائیت، محکوم به نجاست هستند و در صورت تماس آنها با چیزی، مراعات مسائل طهارت در رابطه با آنها، نسبت به اموری که مشروطه به طهارت است، واجب است. ولی رفتار مدیران و معلمان و مربیان با دانش آموزان بهای باید بر اساس مقررات قانونی و اخلاق اسلامی باشد.

سؤال ۳۲۹: «خواهشمندیم تکلیف مؤمنین را در برخورد با فرقه گمراه بهائیت و آثار حضور پیروان آن در میان جامعه اسلامی، بیان فرمایند.»

در جواب سؤال حکم فرموده اند: «همه مؤمنین باید با حيله ها و مفاسد گمراه بهائیت مقابله نموده و از انحراف و پیوستن دیگران به آن جلوگیری کنند.»

سؤال ۳۳۰: گاهی بعضی از پیروان فرقه گمراه بهائیت برای ما غذا یا چیز دیگری می آورند، آیا استفاده از آنها برای ما جایز است؟

حکم فرموده اند: «از هر گونه معاشرت با این فرقه ضاله مضله اجتناب نمائید.»

سؤال ۳۳۱: بهائیان بسیاری در اینجا کنار ما زندگی می کنند که رفت و آمد زیادی در خانه های ما دارند. عده ای می گویند که بهائی هانجس هستند وعده ای هم آنها را پاک می دانند. این گروه از بهائی ها اخلاق خوبی از خود آشکار می کنند، آیا آنها نجس هستند یا پاک

در جواب سؤال حکم فرموده اند: « آنها نجس و دشمن دین وایمان شما هستند، پس فرزندان عزیزم، جدا از آنها بپرهیزید.» ( رساله اجوبه الاستفتائات، چاپ ۲۶ زمستان ۱۳۸۴: صفحه ۶۵ به بعد)

تصویر دارد صفحه ۳۶ و ۳۷ کتاب

### حکم تاریخی

## آیت الله العظمی بروجردی

### قدس سره

از شهید ثالث ملا محمد تقی برغانی که با تیزهوشی سیاسی و تسلط بر علوم اسلامی به ماهیت شیخ احمد احسائی استاد استاد علی محمد شیرازی مدعی « بابیت » حضرت امام قائم غائب موجود موعود پی برد و شجاعانه او را تکفیر نمود، تا عصر حاضر، فرقه گمراه و گمراه کننده بابیه و بهائیه، علاوه بر این که به تحریک استعمار سلطه گردر کنار سایر فرقه هائی مانند صوفیه و شیخیه در صدد تضعیف قدرت و نفوذ علمای و تشدید اختلاف بین حاکمیت و روحانیت و وحدت مذهبی بوده، بارها تصمیم به ترور حضرات فقهاء امامیه چون آیات عظام آخوند خراسانی و حاج شیخ عبدالله مازندرانی گرفته اند که نافرجام مانده، عاقبت شیخ فضل الله نوری با اعدم، وسید عبدالله بهبهانی را با تور توسط انجمن مخفی دوم به نام « بین الطلوعین » از سر راه نفوذ خود در مشروطه برداشتند و لذا ماجرای مشروطه به رهبری علماء نجف را به تحصن در سفارت انگلیس کشاندند. لکن حضرات فقهاء دوره قاجاریه تا عصر حاضر، لحظه ای از مبارزه با این فرقه ضاله مضله آرام نبوده اند. حتی افراد برجسته ای نظیر آیه الله حاج شیخ حسین لنکرانی، زمانی که بهائیان بطور کامل تسلط بر قوای تصمیم گیری مملکت داشتند، با مبلغین بهائی به مناظره پرداخته، کشف الحیل تألیف عبدالحسین آیتی، مبلغ زبر دست بهائیت را که بعد از ندامت، رد بر بهائیت نوشته بود، به چاپ رساندند. در عصر زعامت و مرجعیت استاد الفقهاء والمجتهدین آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی - قدس سره - که فرقه ضاله بهائیت با حمایت همه جانبه حکومت وقت به وسیله امرای لشکری و کشوری بهائی نقش مؤثری در سرنوشت ایران شیعیه داشت، آیت الله العظمی بروجردی شجاعانه با اقدامات مفید و ضروری به مخالفت با بهائیت برخاستند، از جمله صدور فتوای جامعی است که در حساسترین و خفقان آورترین دوران تاریخ معاصر صادر نمودند. متن سؤال و فتوای آن بزرگوار به شرح ذیل است.

تصویر دارد صفحه ۴۰ کتاب

### استفتاء از محضر مبارک

## حضرت آیت الله العظمی آقای بروجردی

### متن سؤال المسلمین بطول بقاعه

حضرت آیت العظمی آقای بروجردی - مد ظله العالی علی روس المسلمین بحق محمد و آله - چه می فرمایند. راجع به معاشرت و معامله با بهائیان از قبیل اکل و شروب [ خوردن و نوشیدن ] با آنها و مهمانی کردن آنها و به مهمانی آنان رفتن وزن دادن به آنان و زن گرفتن از آنها و دخول در حمام های آنان و راه دادن آنها به حمام های مسلمین و خرید و فروش با آنها و کرایه و اجازه دادن املاک و وسائط نقلیه با آنها و معالجه نزد آنها و اصلاح سروصورت آنان و کار

کردن برای آنها مجانا و یا تحت هر یک از عناوین: معاملات شرعیه از قبیل جحاله و مزارعه و مساقات و شرکت و صلح و نحو این امور از انحاء معاشرت و معامله با آنها، مستدعی است نظر شریف را مرقوم دارید. ادام الله ظلکم

بسمه تعالی

لازم است مسلمین با این فرقه معاشرت و مخالطه و معامله را ترک کنند. از مسلمین تقاضا دارم آرامش و حفظ انتظام را از دست ندهند.

حسین الطباطبائی

جواب دفتر معظم له

در ذیل عریضه استفتائیه

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی ولی امر مسلمین جناب آقای حاج سید علی خامنه ای مد ظلّه العالی با تقدیم سلام و عرض ارادت خالصانه در حاشیه عریضه استفتائیه تقدیمی حضورتان فتوای آیه الله العظمی بروجردی رحمه الله علیه آورده شده است استدعا داریم در چنین زمانی که فرقی ضاله خاصه بهائیت بهترین وسیله مبارزه با اسلام و مسلمین هستند نظریه خود را نسبت به فتوای آن فقید فقیه مرقوم بفرمائید که لازم الاجراست؟

ارادتمند سید علیرضا طباطبائی بروجردی

بسمه تعالی

از هر گونه معاشرت با این فرقه ضاله مضلّه اجتناب شود.

مهر دفتر

تصویر دارد صفحه ۴۲ کتاب

نظر خواهی

از حضرات مراجع تقلید

ایران

با ملاحظه جامعیت متن استفتاء از مرحوم استاد الفقهاء والمجتهدین حضرت آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی - قدس الله روحه العزیز - جد مادری حضرت آیه الله حاج آقا جوادعلوی طباطبائی بروجردی که راقم افتخار انتساب به آن خاندان را دارد، و والد فاضل دانشمند حاج سیدمحمد آقا علوی طباطبائی بروجردی - رحمه الله علیه - در عصر مبارزه بااستعمار خارجی و استبداد داخلی توسط آن بزرگوار از اجرای حکم سنگین رژیم دست نشانده نسبت به خود مصون ماند. مصمم شدم در عصری که آمریکا با اسرائیل، انگلیس و ... از بهائیت و بهائیان بدون هیچ ملاحظه، بل در کمال بی رحمی و شقاوت، حمایت می کند، فتوای جامع وقاطع آیه الله بروجردی را به تائی مراجع عظام تقلید که در زمان زعامت و ولایت امری مرجع عالیقدر جهان تشیع حضرت نایب الامام امام خامنه ای - مد ظلّه العالی - هر کدام مورد رجوع عده ای از شیعیان می باشند رسانده، جواب آن ذوات مقدسه را به ثبت تاریخ رسانم. تا برای همیشه بیان کننده ی واقعیت روش وسیره ضد استکباری مرجعیت نواب دوران غیبت کبری در مقابل تزویر و خدعه دین سازی استعمار جهانی باشد و خوشبختانه کلیه حضرت مراجع بزرگواری که مورد سؤال قرار گرفته بودند درباره دریافت جواب مفتخر نمودند. قابلیت ذکر و توجه است، چون در حدّ و مرتبتی نیستیم که براساس موقعیت علمی، نظراتشان را نقل نمایم، لذا به پیروی از بعضی نویسندگان معزز معاصر که تالیف خویش را به آراء ایشان زینت داده اند، با توجه به قاعده حروف ابجد، آرای ایشان را نقل می نمائیم.

قبل از اینکه سؤال از مرجع تقلید وجواب حضرات ایشانرا زینت بخش رساله خودسازیم جواب استفتاء مرحوم آیت الله حاج میرزا جواد آقا تبریزی - قدس الله روحه العزیز- که به سؤال کنندگانی داده بودندرا می آوریم:

متن سؤالاتی که از ایشان نموده اند به شرح زیر است:

نظر مبارک حضرت تعالی در مورد فرقه بهائیت چیست؟

جواب: بسمه تعالی فرقه بهائیت، فرقه ضاله است و ایجاد این گونه ادیان و فرق ساختگی به خاطر آن است که دین صحیح الهی را منحرف کرده و ادیان باطل را جایگزین دین مبین اسلام نمایند.

جواد التبریزی مُهر

سؤال: فرقه بهائیت چیست؟

جواب: بسمه تعالی فرقه بهائیت نه دین است نه مذهب بلکه فرقه ای است ضاله و منحرف که بهائیت انشعابی را از شیخیگری است.

جوادالتبریزی مُهر

سؤال: آقا فرقه بهائیت شاخه ای از شیعه است؟

جواب: بسمه تعالی اصلا این فرقه ربطی به شیعه ندارد بلکه برای متزلزل کردن عقاید سالم و برحق شیعه به وجود آمده است و مانند هر معصیت کار بدون مبالات هستند و باید آنان را امر به معروف و نهی از منکر کرد.

جوادالتبریزی مُهر

سؤال: آیا معامله با فرقه بهائیت صحیح است؟

جواب: بسمه تعالی ترویج فرقه بهائیت جایز نیست و معامله با آنها چنانچه ترویج این فرقه حساب شود جایز نیست والله العالم.

جواد التبریزی مُهر

سؤال: افرادی که بابهایان نسبت فامیلی نزدیک دارند، با توجه به تأکیدی که در آداب اسلامی و آیات و روایات در مورد صلح و رحمت وجود دارد در مورد ارتباط با آنان چه وظیفه ای دارند؟

جواب: بسمه تعالی صلح و رحمت شامل کفار نمی شود، بلکه اگر موجب تقویت آنان باشد جایز نیست والله العالم.

جواد التبریزی مُهر

سؤال: وظیفه ما در قبال افرادی که با بهائیان رفت و آمد دارند و رعایت حدود و جوانب شرعی را در این زمینه نمی نمایند چیست؟

جواب: بسمه تعالی مانند هر معصیت کار بدون مبالات هستند که باید با وجود شرایط آنان را امر به معروف و نهی از منکر کرد والله العالم .

جواد التبریزی مُهر (سند شماره ۱)

مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی - قدس سره - نیز به سؤالاتی که تقریباً متن سؤال از مرحوم آیه الله العظمی بروجردی - قدس الله نفسه الزکیه - در یک زمینه است جواب داده اند، از مرحوم آیت الله فاضل پرسیده اند:

اگر همکار انسان از فرقه ضاله بهائی باشد و انسان با او تماس داشته باشد وظیفه چیست؟

جواب داده بودند: فرقه ضاله بهائی که منکر ضروری اسلام هستند، مطلقاً نجس می باشند و تماس با رطوبت (همراه یا بدن) با آنها موجب نجاست است.

پرسیده اند: در محل ما چند خانوار بهائی زندگی می کنند، هم غذا شدن با آنها و رفت و آمد با آنها چه صورت دارد؟



جواب داده بودند: فرقه بهائی نجس هستند و آنچه بآنها و با رطوبت تماس پیدا کرده نجس می باشد، و رفت و آمد با آنها چنانچه تأیید و تقویت آنها بشود، جایز نیست. (جامع المسائل مطابق با فتوای مرحوم آیه الله فاضل: ۴۰/۳ سؤال ۶۶ و ۶۷)

پرسیده اند: تکلیف آموزگاران با دانش آموزان بهائی چیست؟ آیا جایز است قرآن را در اختیار آنان قرار دهند؟  
جواب داده بودند: باید با آنها معامله نجاست کرد و قرار دادن قرآن در اختیار آنان جایز نیست. (جامع المسائل مطابق با فتوای مرحوم آیه الله فاضل: ۴۴/۱ سؤال ۹۲)

### \*متن سؤال از مراجع ایران جواب ایشان

ادب و آداب استفتاء این وظیفه را معین می کرد که صورت استفتاء از مرحوم آیت الله العظمی بروجردی را به سبک رائج و سنت سؤال که صورت آن در قسمت اسناد رساله حاضر ملاحظه می شود، خدمت آقایان مراجع تقلید تقدیم داشته، تقاضای جواب نمائیم:

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک حضرت آیه الله آقای ... دام ظلّه

سلام علیکم . در حاشیه عریضه استفتاءیه به محضر مبارک فتوای استاد الفقهاء آیت الله العظمی بروجردی - قدس الله روحه العزیز - آورده شده است. استدعا دارد در این برهه از زمان که فرق ضاله بهترین وسیله مبارزه با دیانت حقه هستند، نظر خود را نسبت به فتوای آن فقیه فقید مرقوم بفرمائید.

ارادتمند - سید علیرضا علوی طباطبایی بروجردی

جواب های رسیده با مراعات حروف اول نام مبارک آقایان به ترتیب آورده می شود.

**حضرت آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی - دام ظلّه (سند شماره ۲) جواب داده اند:**

بسمه تعالی

همان طوری که استاد بزرگوار آیت الله العظمی بروجردی مرقوم فرموده اند هر نوع معامله با کافر که موجب تقویت کفر یا تضعیف دین باشد جایز نیست. والله العالم جعفر سبحانی  
قابل تذکر است که بعد از دریافت جواب حاج آقا هاشمی از قول آقا تذکر داده اند: «معاملاتی که موجب تقویت آنها نشود بلامانع است.»

**حضرت آیت الله حاج شیخ حسین مظاهری - دام ظلّه - جواب داده اند: (سند شماره ۳)**

بسمه تعالی

آنچه را استاد بزرگوار ما حضرت آیت الله العظمی بروجردی - ره - فرموده اند صحیح و باید همگی طبق آنها عمل کنند.  
مُهر عبده حسین المظاهری

**حضرت آیت الله حاج شیخ حسین نوری جواب داده اند (سند شماره ۴)**

بسمه تعالی

سلام علیکم . نظر مبارک استاد محترم حضرت آیت الله العظمی آقای بروجردی - اعلی الله تعالی مقامه - کاملاً صائب است و فرقه ضاله بهائیت، ساخته دشمنان اسلام است و در راه اهداف آنها همیشه حرکت داشته و دارند. ولذا بر مسلمانان لازم است از معاشرت و مخالطه و معامله با آنها خودداری نمایند.

حسین نوری همدانی

**حضرت آیت الله حاج شیخ حسین وحید خراسانی**، چون سلیقه و آداب ایشان در پاسخ کتبی دادن به استفتائات نیست!! لذا در روز دوشنبه ۱۳۸۹/۱/۲ ساعت یک بعد از ظهر به وقت جدید- تلفنی مزاحم دفتر ایشان شدم، فرمودند: به نظر حضرت آقای وحید ازدواج، معامله و معاشرت با بهائیان حرام است، کمک به حزب آنها حرام است. چون حکم نجس را دارند. در معاشرت، با خیسی نباید همراه باشد.

حضرت آیت الله حاج شیخ مبشر کاشانی- دام ظلّه- در جواب مرقوم داشته اند: (سند شماره ۵) «بسمه تعالی هر گونه ارتباط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... که موجب تشبیت و تقویت این گروه و حزب بهائیت شود حرام و اجتناب همه جانبه واجب است. همچنین مبارزه جهت محو و اضمحلال حزب شیطانی مذکور بر جمیع آحاد مسلمین و ملت اصیل ایرانی و دولت عزیز نظام مقدس جمهوری اسلامی واجب است. والسلام علینا و علی جمیع اخواننا المؤمنین.

مُبشر کاشانی مُهر

**حضرت آیت الله سید عباس مدرسی یزدی - دام ظلّه -** در جواب مرقوم داشته اند: (سند شماره ۶)

بسمه تعالی

آنچه فقیه اهل بیت - صلوات الله علیهم و مرجع عالیقدر عالم تشیع - رضوان الله تعالی علیه - فرموده اند، در کمال صحت و واقعیت است. و ما رساله ای هم در کفر و ارتداد فرقه ضاله بهائیه منتشر نموده ایم. معاشرت و رفت و آمد با آنها و معامله با آنها علی نحو الاطلاق جائز نیست. زن مسلمان بر ترویج آنها در آمدن جائز نیست و باطل است. ازدواج با زن بهائیه جائز نیست و باطل است؛ چون کافر و مرتد می باشند. گر چه ازدواج با اهل کتاب جائز است. اما آنها اهل کتاب نیستند و باید آنها را در مضیقه و انزوا قرار داد تا یا هدایت شوند یا به سزای اعمال ننگ شیطانی و شهوانی خود برسند. اعاذ بالله من شرهم

عباس الحسینی المدرسی یزدی

**حضرت آیت الله حاج شیخ عبدالله جوادی آملی - دام ظلّه -** در جواب مرقوم داشته اند (سند شماره ۷)

بسم الله الرحمن الرحيم فتوای فوق مورد تأیید است. جوادی آملی

**حضرت آیت الله حاج شیخ عبدالحمید شریانی - دام ظلّه -** کسالت و لرزش دست در حدی بود که تحت هیچ عنوان نوشتن جواب برای ایشان امکان نداشت.

**حضرت آیت الله حاج سید عزالدین زنجانی - دام ظلّه -** در جواب مرقوم داشته اند. (سند شماره ۸)

بسم الله الرحمن الرحيم همانطور که سیدنا الاستاد الفقيه الاکبر الامام بروجردی - قدس الله نفسه الزکیه و اعلى درجات الجنان مقامه - مرقوم فرموده اند صحیح و لازم الاجرا است. البته با محافظت شدید و مراقبت اکید با آرامش و حفظ انتظام و الله لیهدی الی سواء السبیل.

مُهر

در یکی از روزهای اقامت **آیت الله حاج شیخ علی سبط الشیخ انصاری** - دامت برکاته - در تهران حضورشان رسیده تصمیم درباره رساله حاضر را با ایشان در میان گذاشته استدعای نظریه ایشان را نمودم. در جواب فرمودند: در این برهه از زمان که فرقه ضاله به انواع شیطنت ها جوانان ناآگاه ما را اغفال می کنند بهترین اقدام ارشاد فریب خوردگان به هر نوع و شکل ممکن با حفظ آرامش و انتظام است. بنده در همان زمان صدور حکم تاریخی آیت الله العظمی بروجردی - قدس سره الشریف - در جریان آن بودم مورد تأیید بوده و هست.

**حضرت آیت الله حاج شیخ علی صافی گلپایگانی - قدس سره -** در دیداری که با ایشان داشتیم استفتاء را ملاحظه کرده، فرمودند آنچه استاد بزرگوار ما مرقوم داشته اند، کفایت کننده است. وبه احترام ایشان حاضر نشدند حتی در حاشیه فتوای حضرتشان همان را که فرمودند قلمی کنند.

**حضرت آیت الله حاج شیخ علی اصغر رحیمی آزاد دام ظلّه** در جواب مرقوم داشته اند (به سند شماره ۹ رجوع شود) بسمه تعالی سلام علیکم ورحمه الله جواب استفتاء جنابعالی همان است که مرحوم آیه الله العظمی بروجردی اعلی الله مقامه فرموده باید مسلمانان هر گونه رابطه و معاشرت و معامله را با این فرقه ضاله ترک کنند.

الداعی علی اصغر رحیمی آزاد مَهر

**حضرت آیت الله حاج شیخ قربانعلی محقق کابلی - دام ظلّه -** مرقوم داشته اند. (سند شماره ۱۰)

بسمه تعالی

در فرض سؤال، نظر اینجانب نیز احتراز از معاشرت با این فرقه است، چون تماس بدنی در صورتی که رطوبت داشته باشد، موجب نجاست است و هم چنین معاملات با آنها موجب تقویت طریقه آنها است؛ لذا معامله با آنها نیز باید ترک شود.

قربانعلی محقق کابلی

**حضرت آیت الله حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی - دام ظلّه -** در جواب مرقوم فرموده اند: (سند شماره ۱۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

نظر حقیر مطابق با نظر مبارک آن مرجع جلیل القدر - اعلی الله مقامه - می باشد. والله العالم.

لطف الله صافی - مَهر

**حضرت آیت الله حاج شیخ محمدرحمتی سیرجانی - دام ظلّه -** در جواب نوشته اند: (سند شماره ۱۲)

بسمه تعالی

خداوند متعال درجات آن بزرگوار عالی است. اعلی فرماید و حکم فتوای آن بزرگوار و نظر ایشان مورد قبول و تأیید است. امضاء و مهر

**حضرت آیت الله حاج سید محمد شاهرودی - دام ظلّه -** در جواب مرقوم داشته اند: (سند شماره ۱۳)

بسمه تعالی

کفر مدعی الوهیت یا نبوت و نیز منکر نبوت خاتم پیامبران یا منکر ضروریات دین مسلم و مجمع علیه بین مسلمین می باشد. و این فرقه از پیروان علی محمد هستند که به ترتیب هم مدعی نبوت بوده و هم مدعی الوهیت و هم منکر خاتم پیامبران و هم منکر ضروریات دین مثل نماز و امثال آن هستند، بنابراین از نظر موازین فقه شرع مقدس اسلام، این افراد کافر هستند، اما اگر فقط اسما بهائی بشوند، یعنی داخل این حزب و مرام باشد، ولی در عقاید از آنها پیروی نکنند، مانند اکثر کمونیست ها که از لحاظ سیاسی و حزبی کمونیست هستند، ولی منکر وجود خدا و پیامبر نیستند، چنین کسی کافر نمی باشد.

سید محمد شاهرودی

**حضرت آیت الله حاج سید محمد مفتی الشیعه دام ظلّه العالی**

بعد از ارسال استفتاء به جهت اطلاعات وسیعی که ایشان از مبارزه آیه الله العظمی بروجردی با بهائیان داشتند، مفید دانستند که شخصا ملاقاتی داشته باشم. روز چهارشنبه ۲۵ فروردین (۱۳۸۹) در منزل شخصی ایشان واقع در قم

حضورشان رادرك كردم) حضورشان رسیده با کمال بزرگواری و حوصله ای قابل تقدیر و تشکر به موضوعات بسیار مهمی اشاره کردند که حتما مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در مورد استفتاء به سه مهم اشاره کردند:

۱- نسبت به بهائیان، آنان را به سه گروه تقسیم کردند. فرمودند آن عده که منکر نبوت حضرت ختمی مرتبت می باشند کافرند و گروهی چون حضرت امام زمان - ارواحنا فداه - را قبول ندارند منکر امامت می باشند در حقیقت کافر نیستند، لکن منکر ضروری ایمان شده اند. دسته هم مسأله نیابت را با خصوصیت هائی که جایگاهی در تشیع ندارد به علی محمد باب نسبت می دهند.

۲- در مورد متن فتوای مرحوم آیه الله العظمی بروجردی فرمودند مخافت ایشان با تخریب حظیر القدس که در تهران ساخته شده بود آغاز گردید. و چنان اوج گرفت که شخص محمد رضا پهلوی در بیت مرحوم آیت الله بروجردی شرفیاب حضورشان شد و قول داد حتما شخصا منظور حضرت آیت الله را تأمین خواهد کرد و خواستار شد که ایشان مؤمنین را آرام کنند و لذا مرحوم آقای بروجردی در انتهای فتوا مرقوم داشتند «از مسلمین تقاضا دارم آرامش و حفظ انتظام را از دست ندهند.»

۳- در مورد جواب استفتاء فرمودند: «فتوا صحیح است با اینکه شأن ایشان اجل بر آن است که شاگردانشان بخواهند نظری بدهند چون نظر حقیر را جویا می شوید این حکم برای همیشه تا این فرقه ضاله نابود نشده اند لازم الاجراست.»

**حضرت آیت الله حاج سید محمد باقر شیرازی - دام ظلّه - در جواب نوشته اند. (سند شماره ۱۴)**

بسمه تعالی

شکی نیست بیان و نظر مبارک حضرت مستطاب سید الطائفه استادالفقهاء آیه الله بروجردی - قدس سره الشریف - کاملا مطابق با موازین و هر گونه معاشرت و داد و ستد، خاصه ازدواج با آنان ممنوع و حرام است. البته همان قسم که ایشان هم بیان فرمودند، در هر حال حفظ انتظام و آرامش نیز لازم است.

محمد باقر بن عبدالله شیرازی : مهر

**حضرت آیت الله حاج شیخ محمد تقی مجلسی - دام ظلّه - در جواب مرقوم داشته اند: (سند شماره ۱۵)**

بسمه تعالی

نظر مبارک حضرت آیه الله العظمی بروجردی - رضوان الله علیه - متبع و مورد نظر حقیر نیز می باشد. والسلام

محمد تقی مجلسی : مهر

مقلدین مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد تقی بهجت می توانند بعد از فوت ایشان که باذن هر یک از فقها بقاء بر میت را جایز می دانند در مسائلی که از آن بزرگوار تقلید می کردند به اذن مجتهد اجازه دهنده بقای بر آن مرحوم باقی هستند. به نظر همان فقیه عمل کنند.

بسمه تعالی

**حضرت آیه الله حاج سید محمد صادق روحانی در جواب نوشته اند: (سند شماره ۱۶)**

باسمه جلت اسمائه

به آنچه مرحوم آیه الله العظمی قای بروجردی رحمه الله علیه فتوای داده اند و فتوائی است موافق با موازین شرعیه، حقیر نیز فتوی می دهم.

الروحانی: مهر

**حضرت آیت الله حاج شیخ محمد علی گرامی - دام ظلّه - مرقوم داشته اند: (سند شماره ۱۷)**

بسمه تعالی

فرقه مزبور خارج از دین اسلام هستند و با دسیسه اجانب به وجود آمده و اینک هم وسیله ای در دست آنها برای افساد جامعه می باشند.

همانطور که اساتید ما چون مرحوم آقای بروجردی - قدس سره - و مرحوم امام خمینی - قدس سره - در سال ۱۳۴۳ هـ ش برای اینجانب مرقوم داشته اند لازم است همگان از هر گونه ترویج آنها خودداری ، بلکه ترک مراد و معامله نمایند و آنها را به حمام های عمومی راه ندهند که موجب نجاست هستند. افراد عامی آنها هم آلت دست بزرگانشان هستند.

محمد علی گرامی

امضاء و مهر

**حضرت آیت الله حاج سید محمود هاشمی شاهرودی - دام ظلّه العالی -** در جواب یکی از تلامذ درس خارج خود در

حوزه علمیه قم مرقوم داشته اند: ( سند شماره ۱۸ )

بسمه تعالی فتوای آن بزرگوار قدس الله سرّه الشریف طبق موازین شرعی است .

محمود هاشمی شاهرودی

مهر

**دفتر حضرت آیت الله حاج سید موسی شبیری زنجانی** نظر ایشان را به شرح زیر در اختیار گذاشته است. ( سند شماره

۱۹ )

باسمه تعالی

هر آن چه موجب تقویت یا تأیید این فرقه ضاله گردد، اعم از معاشرت، اختلاط و معامله صحیح نیست و لازم است مسلمین از این امور در صورت تبلیغ این گمراهان اجتناب کنند.

مهر دفتر

**حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی - دام ظلّه -** در جواب مرقوم فرموده اند: ( سند شماره ۲۰ )

بسمه تعالی

آنچه آن فقیه بزرگوار فرموده اند، حق است. همیشه موفق باشید.

ناصر مکارم شیرازی

مهر

**حضرت آیت الله میرزا مسلک ملکوتی،** در تعیب تأخیر در جواب سوال گفتند ارسال شده و شفاها نیز به این مختصر اکتفا کردند: « آنچه را که آن فقیه بزرگوار در جواب سؤال عده ای مرقوم داشته اند حکم است و فتوی نیست و همیشه بر همه لازم العمل است.»

**حضرت آیت الله حاج شیخ یدالله دوز دوزانی** جواب داده اند ( سند شماره ۲۱ )

باسمه تعالی جوابیه معظم له مورد تأیید اینجانب می باشد البته امروز محدودیت زمان صدور فتوای ایشان نیست، باید مسلمانان منسجم باشند و جلساتی برای مبارزه با آنان تشکیل دهند. مبادا به افکار جوانان ما رخنه نموده و عقائد باطل و پوشالی خود را که ساخته قدرتهای شرق و غرب است رواج دهند. توفیق مسلمانان را از خدای متعال خواهانم.

یدالله دوز دوزانی : مهر

تذکر: منظور از «البته امروز محدودیت زمان صدور فتوای ایشان نیست» در متن جوابیه ای که از نظر گذشت توجه دادن به این مهم است. در دوران مجد و عظمت اسلام که حکومت تأیید و ترویج تقویت کننده بهائیت نبود شده، وظیفه در

مقابل مسلک های استعماری نظیر بهائیت به تبعیت از فتاوی مراجع خلاصه نمی شود بلکه باید با فرقی گمراه کننده گمراه مبارزه کرد.

**حضرت آیه الله حاج سید یوسف مدنی تبریزی** مرقوم داشته اند: ( سند شماره ۲۲ )

بسم الله الرحمن الرحيم

مسئله مفروضه را در بحث تجارت تفضیلا و مستدلا متعرض شده ایم، ولیکن اجمال جواب به قرار ذیل می باشد: معاشرت - رفت و آمد - با فرقه بهائیت و سایر کفار اگر موجب سستی عقیده اسلامی باشد جایز نیست؛ ولیکن معامله - دادوستد - با فرقه مذکور و سایر کفار شرعا اشکالی ندارد، مگر آنکه متعلق معامله سلاح جنگی است و زمان نیز زمان جنگ باشد، فروختن آن به اعداء دین جایز نیست. ولی در حال... صلح - مانعی ندارد. و همچنین است بیع سلاح به کفاری که مقاتله آنها با کفار باشد. و اما مسئله ازدواج با جمیع فرق کفار و مسلمین که در حکم کفار می باشند، مثل غلام و نواصب و خوارج را در کتاب منهاج الاحکام تفصیلا متعرض شده ایم؛ لطفاً به آنجا مراجعه فرمائید: رجوع شود [ در صفحه ۳۰۴ به بعد در طرح چند فرع باطل دانسته اند ]

السید یوسف المدنی التبریزی

[www.BahatismIran.com](http://www.BahatismIran.com)

پایگاه اینترنتی بهائیت در ایران

پایگاه اینترنتی بهائیت در ایران

ارتباط با ما:

[info@bahatismiran.com](mailto:info@bahatismiran.com)

[info@bahatismiran.net](mailto:info@bahatismiran.net)

[bahatismiran@gmail.com](mailto:bahatismiran@gmail.com)

[bahatism1@yahoo.com](mailto:bahatism1@yahoo.com)

